

تأثیر وحدت و تعدد «رفتار و آسیب» در میزان مسئولیت در جنایت



حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمد مصدق، عضو هیئت علمی دانشگاه و معاون اول قوه قضاییه

چکیده

حکم دیه در فرض تعدد آسیب در اعضای بدن در شقوق مختلف قابل بررسی است. اینکه آسیب‌ها اگر متعدد باشند و ناشی از رفتار متعدد و یا اینکه ناشی از رفتار واحد باشد در میزان دیه تفاوت ایجاد می‌کند. دیه در شرایطی تداخل ایجاد و تنها دیه یک آسیب ثابت می‌شود و در صورت عدم وجود شرایط لازم حسب مورد حکم به پرداخت دیه می‌شود. در این نوشتار به جنبه‌های مختلف موضوع تعدد آسیب و تعدد رفتار که از موضوعات پرچالش قضایی محسوب می‌شود پرداخته خواهد شد و بدین منظور مواد ۵۴۱ تا ۵۴۵ قانون مجازات اسلامی که همگی از ابداعات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به حساب می‌آید و فاقد سابقه تقنینی در قانون مجازات اسلامی سابق می‌باشد تحلیل حقوقی، فقهی و قضایی شده است. این مقاله با روش تحلیلی توصیفی و به صورت کتابخانه‌ای با شناخت چالش‌های قضایی پیرامون موضوع تلاش نموده است سؤالات و ابهامات پیرامون هر یک از مواد قانونی مورد اشاره را علاوه بر تفسیر با رویکرد کاربردی مورد مطالعه قرار دهد.

واژگان کلیدی: آسیب، تعدد آسیب، تعدد رفتار، تداخل دیه



گفتار اول: حکم دیه در فرض تعدد آسیب در اعضای بدن

نخستین گفتار این نوشتار اختصاص دارد به اینکه در مواردی که بر اثر یک ضربه آسیب‌های متعددی در اعضای بدن یک شخص ایجاد می‌شود چه حکمی در خصوص آن باید صادر کرد. در این خصوص دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. مقنن در ماده ۵۴۱ قانون مجازات اسلامی به این موضوع پرداخته و حکم قضیه را روشن کرده است. به لحاظ پیشینه و سابقه تقنینی نیز باید گفت حکم این ماده در قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) فاقد سابقه است و از نوآوری‌های قانون جدید در جهت رفع خلاء قانونی محسوب می‌شود. مقنن در ماده ۵۴۱ قانون موصوف بیان می‌دارد: «هرگاه در اثر یک ضربه یا هر رفتار دیگر، آسیب‌های متعدد در اعضای بدن به وجود آید چنانچه هر یک از آنها در اعضای مختلف باشد یا همه در یک عضو بوده ولی نوع هر آسیبی غیر از نوع دیگری باشد و یا از یک نوع بوده و لکن در دو یا چند محل جداگانه از یک عضو باشد، هر آسیب دیه جداگانه دارد».

این ماده در مقام بیان چند حکم به شرح زیر است:

نخست، هرگاه در اثر یک ضربه یا هر رفتار دیگر، آسیب‌های متعدد در اعضای بدن به وجود آید، چنانچه هر آسیب در اعضای مختلف باشد دیه جداگانه دارد؛

دوم، هرگاه در اثر یک ضربه یا هر رفتار دیگر، آسیب‌های متعدد در اعضای بدن به وجود آید، چنانچه همه در یک عضو بوده ولی نوع هر آسیب غیر از نوع دیگری باشد، هر آسیب دیه جداگانه دارد؛

سوم، هرگاه در اثر یک ضربه یا هر رفتار دیگر، آسیب‌های متعدد در اعضای بدن به وجود آید، چنانچه همه در یک عضو و از

یک نوع بوده؛ لیکن در دو یا چند محل جداگانه از یک عضو باشد، هر آسیب دیه جداگانه دارد.

تشخیص ضربه از حیث واحد یا متعدد بودن امری موضوعی و به تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده است. مقام قضایی افزون بر تمسک به فهم عرفی از واژه «ضربه» و تطبیق آن با موضوع پرونده، می‌تواند از نظر مشورتی پزشکی قانونی یا پزشک معتمد نیز بهره‌مند شود؛ بنابراین اگر کسی ضربه‌ای به کسی وارد سازد که در نتیجه دفعاتاً جرحی به زیر چشم مجنی‌علیه وارد شده و دندان او نیز بیفتد، عرفاً یک عمل محسوب می‌شود؛ هر چند آثار متعدد از آن حاصل شده باشد.^(۱)

باید توجه داشت حکم این ماده با مفاد ماده ۲۹۸ قانون مجازات اسلامی در بخش قصاص هم‌پوشانی دارد. ماده ۲۹۸ مقرر کرده است: اگر کسی با یک ضربه عمدی موجب جنایات متعدد بر اعضای مجنی‌علیه شود، چنانچه همه آنها به‌طور مشترک موجب قتل او شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، فقط به قصاص نفس محکوم می‌شود.

همچنین حکم این ماده با ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی در بخش قصاص نیز هم‌پوشانی دارد؛ اما مفاد این دو ماده از جهاتی نیز متفاوت است. ماده ۵۴۱ تعدد نتایج را در حالتی که عامل جنایت‌ها واحد باشد بیان می‌کند. فرض‌های مذکور در این ماده به سه دسته تقسیم می‌شود و در هر سه دسته باید دیه‌های مختلف پرداخت شود و البته تشخیص برخی موارد امری فنی و بر عهده کارشناس است.

فرض نخست آن است که اعضای مورد جنایت متفاوت باشد؛ مانند اینکه شخصی به دست مجنی‌علیه ضربه‌ای وارد کند و دو انگشت وی قطع شود. تشخیص عنوان عضو در برخی موارد با ابهام مواجه است.

به عنوان مثال، دست یک عضو است؛ اما دارای قسمت‌های مختلف انگشت، کف دست، مچ، آرنج و بازو است و اینکه آیا تمامی این قسمت‌ها یک عضو است، محل تردید است.

فرض دوم آن است که جنایت‌ها از نوع متفاوت در یک عضو است مانند اینکه استخوان یک عضو بشکند و عصب آن نیز قطع شود.

فرض سوم آن است که جنایت‌ها از یک نوع اما محل آنها متفاوت باشد؛ مانند اینکه دو نقطه از استخوان ساق پا شکسته شود.^(۲)

پیرامون این ماده از اداره حقوقی قوه قضاییه استعلامی شده است که چنانچه ضارب در یک درگیری با قمه به شخصی حمله کند و با ضربات پیاپی ابتدا دو انگشت دست راست و سپس مچ همان دست را قطع کند، آیا قصاص انگشتان دست راست در قصاص قطع مچ داخل می‌شود؟ چنانچه شاکی از قصاص مچ صرف نظر کند، آیا می‌تواند اقدام به قصاص انگشتان ضارب کند یا اینکه قصاص انگشتان در قصاص مچ داخل می‌شود و فقط یک حق برای شاکی به وجود می‌آید؟

در پاسخ آمده است چنانچه ضربات وارد شده متوالی باشد در حکم یک ضربه است و با توجه به ذیل ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) و تبصره آن، فقط یک حق قصاص برای مجنی‌علیه ثابت می‌شود و با توجه به ماده ۳۹۰ قانون یادشده، مجنی‌علیه با رضایت مرتکب می‌تواند به قصاص انگشتان بسنده کند.^(۳) لازم به ذکر است در موارد زیر، جراحاتی که در اثر یک ضربه یا هر رفتار دیگر در اعضای بدن به وجود می‌آید، دیه جداگانه دارد:

نخست، آسیب‌ها در اعضای مختلف باشد؛ دوم، آسیب‌ها همه در یک عضو باشند،

ولی نوع هر آسیب متفاوت از دیگری است؛ سوم، همه جراحات از یک نوع است؛ لیکن در دو یا چند محل جداگانه از یک عضو قرار گرفته است.

بنابراین تنها در صورت جمع شرایط چهارگانه زیر، دیه آسیب‌های متعدد تداخل می‌کند:

نخست، همه جراحات از یک نوع باشد؛ دوم، همه آسیب‌ها در یک عضو باشد؛ سوم، آسیب‌ها متصل به هم یا به گونه‌ای نزدیک به هم باشد که عرفاً یک آسیب محسوب شود؛^(۴)

چهارم، مجموع آسیب‌ها با یک رفتار مرتکب به وجود آید.

در ارتباط با این ماده اداره حقوقی قوه قضاییه نظر دارد که: «در اثر اصابت فشنگ ساچمه‌ای به ناحیه ران در بیست نقطه جراحت ایجاد شده است. اگر هر یک از ساچمه‌ها فرو رفته باشد و طبق تعریف مذکور در ماده ۷۱۳ این قانون، جراحت نافذ را به وجود آورده باشد، چنانچه برابر بند «ب» ماده ۵۴۳ این جراحات‌ها متصل به هم یا به گونه‌ای نزدیک به هم باشد که عرفاً یک آسیب محسوب شود، دیه آن تداخل می‌کند و تنها یک دیه ثابت می‌شود؛ در غیر این صورت مشمول ذیل ماده ۵۴۱ قانون یادشده است و هر جراحت نافذ دیه جداگانه خواهد داشت. به هر حال تشخیص مصداق حسب مورد بر عهده مرجع رسیدگی‌کننده است.»^(۵)

در موردی دیگر آمده است در تصادفات مربوط به رانندگی منتهی به فوت، چنانچه آسیب یا آسیب‌های بدنی وارده به متوفی در اثر یک رفتار مرتکب باشد، با لحاظ ماده ۵۴۱ تنها یک دیه کامل تعلق می‌گیرد و موضوع از شمول ماده ۵۳۹ این قانون خارج است، لیکن در صورتی که حادثه منتهی به مصدومیت فرد شود و متعاقباً مصدوم در اثر سرایت صدمه یا صدمات

فوت کند، حسب مورد مطابق ماده ۵۳۹ و بندهای «الف» و «ب» آن رفتار می‌شود.^(۶) حال پرسشی قابل طرح است که چنانچه در اثر یک ضربه، دندان اول سمت بالا یا پایین دچار سیاه شدگی و شکستگی به میزان هفتاد درصد شود، با رعایت قاعده «عدم تداخل دیات»، مقدار دیه چگونه محاسبه می‌شود؟ آیا تعیین دیه به میزان بیشتر از دیه مقدر (پنج درصد) صحیح است؟

در پاسخ به نظر می‌رسد با توجه به مفاد مواد ۵۴۱ و ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) شکستگی دندان و سیاه شدن آن عرفاً دو نوع آسیب متفاوت محسوب می‌شود و لذا در فرض سؤال، حکم به عدم تداخل دیه شکستگی و سیاه شدن دندان داده می‌شود و دیه هر یک جداگانه محاسبه می‌شود. مراد از دندان‌های اول بالا یا پایین، دندان‌های جلو است که طبق بند «الف» ماده ۶۱۶^(۷) به ضمیمه تبصره ۱ ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی^(۸) برای شکسته شدن هفتاد درصد دندان جلو باید هفتاد درصد یک بیستم دیه کامل محاسبه شود و برای سیاه شدن سی درصد بقیه دندان طبق ماده ۶۱۹^(۹) باید سی درصد از دوسوم دیه همان دندان (یک‌بیستم) محاسبه شود؛ بنابراین در فرض سؤال، مجموع دیه از دیه شکستن کامل یک دندان (یک‌بیستم) بیشتر نخواهد بود؛ بلکه چهار و نیم درصد دیه کامل می‌شود که از دیه شکستن کامل یک دندان (پنج درصد) کمتر است. البته حتی اگر دیه مجموع آسیب‌ها و جراحات‌ها از دیه کامل یک عضو بیشتر شود ایرادی ندارد؛ زیرا جنایات متعدد بوده است و به تصریح قانون آسیب‌های متعدد با قیود مذکور در ماده ۵۴۱ باید جداگانه محاسبه شود؛ به‌طور مثال، چنانچه در حادثه رانندگی چهار انگشت

یک نفر قطع شود و استخوان دست از سه جای متفاوت شکسته و چندین جراحت موضعه و سمحاق به وجود آید و پنجاه درصد کارایی دست نیز از بین برود، دیه جراحات متعدد وارد بر دست بیش از دیه دست می‌شود.

پرسش دیگر این است که فردی عامدانه و به زور مایعی را به دیگری می‌خوراند و این کار باعث دل درد شدید و طولانی‌مدت در وی می‌شود. آیا فردی که این کار را به زور انجام داده است می‌بایست دیه یا ارش پرداخت کند؟ آیا به رغم نبود آثار ظاهری، پرداخت دیه یا ارش ضروری است؟ در صورت بروز آثاری چون اسهال یا استفراغ، پاسخ به چه نحو خواهد بود؟

در این خصوص به نظر می‌آید رفتاری که به صورت عامدانه انجام شده و موجب درد و مرض مجنی‌علیه شود؛ اعم از آنکه آثار درد و مرض در مجنی‌علیه ظاهر باشد یا نباشد، با توجه به نوع و مقدار آسیب حسب مورد موجب دیه یا ارش است.

گفتار دوم: حکم دیه آسیب‌های متعدد ناشی از رفتارهای متعدد

یکی از احکام فقهی که در قانون مجازات اسلامی مورد توجه قرار گرفته این است که اگر رفتار متعدد باشد، آسیب‌های متعددی که ایجاد می‌کند هر یک جداگانه استحقاق دریافت دیه را دارند. این موضوع در ماده ۵۴۲ قانون مجازات اسلامی آمده است که اشعار می‌دارد: «هرگاه در اثر رفتارهای متعدد، آسیب‌های متعدد ایجاد شود، هر آسیبی دیه جداگانه دارد».

نکته قابل توجه این است که همانند ماده قبلی (ماده ۵۴۱ قانون مجازات اسلامی) این ماده نیز فاقد سابقه تقنینی در قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) است و از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی جدید در جهت رفع خلاءهای موجود محسوب می‌شود.



بازو و آرنج به هم پیوسته است؛ بنابراین تنها یک دیه ثابت است.

البته این سؤال قابل طرح است که منظور از عرف در این ماده، عرف عام است یا عرف خاص مانند پزشکی قانونی؟ که به نظر می‌رسد در این گونه موارد که تشخیص با عرف است، منظور عرف عام است. رجوع به عرف خاص در مواردی است که تشخیص موضوع احتیاج به تخصص داشته باشد؛ که در مسئله مورد بحث چنین نیست و یا اینکه بر اساس ماده ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی، آسیب‌های وارد شده در چه فاصله‌ای از هم قرار گیرند تا دیه آنها تداخل کند؟

در اینجا نیز باید گفت در جایی که دو استخوان از یک عضو به گونه‌ای نزدیک یا متصل به هم باشد که از دید عرف یک استخوان محسوب شود، آسیب وارده بر آن یک آسیب و شکستگی محسوب می‌شود؛ اما در برخی از اعضای بدن مانند استخوان‌های زند اعلی و زند اسفل در ساعد و استخوان‌های درشتنی و نازکنی در ساق پا، استخوان‌ها آن گونه به هم نزدیک و متصل نیستند که عرفاً یک استخوان به حساب آیند و چنان‌که عرفاً یک استخوان هم باشد (مانند زند اسفل) لیکن از ناحیه بالا، وسط یا پایین بشکند، سه دیه شکستگی تعیین می‌شود. لازم به ذکر است در صورتی که شکستگی‌ها آن قدر به هم نزدیک و یا متصل به هم باشد (مانند ناحیه اتصال این دو استخوان) که عرفاً یکی محسوب شود، تداخل صورت می‌گیرد؛ بنابراین آسیب وارد بر استخوان‌های زند اعلی و زند اسفل در ساعد و استخوان‌های درشتنی و نازکنی در ساق یک آسیب و شکستگی محسوب نمی‌شود و لازم است برای هر یک دیه مستقل و جداگانه تعیین شود؛ زیرا حقیقتاً عرف هر استخوان را مجزا می‌بیند.

است. النهایه تطبیق عمل ارتكابی متهم با قانون در هر مورد با عنایت به اوضاع و احوال قضیه، محتویات پرونده و کسب نظر پزشکی قانونی با قاضی رسیدگی کننده است.^(۱۰)

گفتار سوم: تداخل دیه آسیب‌های متعدد در صورت وجود شرایط لازم

از موضوعات پرچالش در رویه قضایی موضوع تداخل آسیب و تأثیر آن بر دیه آن آسیب‌ها است. مقنن با وجود شرایطی تداخل آسیب را پذیرفته و مجنی‌علیه را مستحق دریافت یک دیه می‌داند. این شرایط در ماده ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی آمده است که اشعار می‌دارد: «در صورت وجود مجموع شرایط چهارگانه ذیل، دیه آسیب‌های متعدد تداخل می‌کند و تنها دیه یک آسیب ثابت می‌شود:

الف- همه آسیب‌های ایجاد شده مانند شکستگی‌های متعدد یا جراحات متعدد از یک نوع باشد.

ب- همه آسیب‌ها در یک عضو باشد.

پ- آسیب‌ها متصل به هم یا به گونه‌ای نزدیک به هم باشد که عرفاً یک آسیب محسوب شود.

ت- مجموع آسیب‌ها با یک رفتار مرتکب به وجود آید».

این ماده نیز از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) محسوب می‌شود و در قانون مجازات اسلامی سابق و یا قوانین دیگر مشابه آن وجود ندارد.

هر چند با وجود ماده ۵۴۱ نیازی به ذکر این ماده نبود؛ زیرا هر دو ماده در مقام بیان یک موضوع است.

اما مثال قابل ارائه برای این ماده، شخصی است که با یک ضربه چاقو جراحی به طول سی سانتی‌متر از ابتدا تا انتهای دست راست مجنی‌علیه وارد می‌کند. در این فرض، جراحات از یک نوع و در پوست دست است و جراحات

ماده ۵۳۸ قانون مجازات اسلامی که مقرر نموده است: «در تعدد جنایات، اصل بر تعدد دیات و عدم تداخل آنها است مگر مواردی که در این قانون خلاف آن مقرر شده است»، اصل را بر تعدد دیات و عدم تداخل آنها دانسته است. به نظر می‌رسد با وجود ماده ۵۳۸ در صدر این فصل از کتاب چهارم قانون مجازات اسلامی و بیان حکم کلی و عام عدم تداخل دیات، نیازی به ذکر ماده ۵۴۲ در قانون نبود؛ چرا که این ماده همان حکم ماده ۵۳۸ را با بیانی دیگر مقرر نموده است.

باید توجه داشت در مواردی که چند ضربه موجب چند جراحت می‌شود، برای هر یک دیه جداگانه تعیین می‌شود؛ بنابراین در این حالت‌ها که با تعدد فعل و تعدد نتیجه مواجه هستیم، همان‌طور که ماده ۵۴۲ بیان کرده است، حکم آن به‌طور قطع تعدد دیه است.

لازم به ذکر است که طبق ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) هرگاه یک استخوان از چند نقطه جدای از هم بشکند، در صورتی که عرفاً جنایت‌های متعدد محسوب شود هر یک دیه جداگانه دارد؛ هر چند با یک ضربه به وجود آید. ماده ۵۴۳ در مبحث تداخل و تعدد دیات به صراحت اعلام کرده است که در صورت اجتماع چهار شرط ذیل این ماده، دیه آسیب‌های متعدد تداخل می‌کند و تنها دیه یک آسیب ثابت می‌شود؛ بنابراین اگر یک رفتار موجب شکستگی دنده از دو نقطه شود، با اجتماع سه شرط دیگر مذکور در این ماده، فقط دیه یک آسیب ثابت می‌شود و الاً دیه شکستگی هر دنده جداگانه و براساس ماده ۶۳۵ قانون مذکور مورد حکم قرار می‌گیرد. بدیهی است در صورتی که در اثر رفتارهای متعدد آسیب‌های متعدد ایجاد شود، مشمول ماده ۵۴۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)

حال چنانچه تعداد نافذه‌های یک عضو به مقداری باشد که جمع ديه آنها بيش از ديه آن عضو باشد مانند بيست نافذه در ساق پا، آيا مجموع ديه‌ها مي‌تواند بيش از ديه آن عضو باشد؟

در اينجا نيز طبق ماده ۵۴۸ قانون مجازات اسلامي، مقدار ارش يك جنايت نمي‌تواند بيش از ديه همان عضو باشد، اما بر اساس ماده ۵۷۰ همين قانون، ديه جنايت‌هاي متعدد بر يك عضو نه تنها از ديه همان عضو، بلكه مي‌تواند از ديه نفس هم بيشتر باشد.

بايد توجه داشت آسيب‌هاي وارديده موضوع ماده ۵۴۳ بايد غير عمدي باشد تا مشمول اين ماده شود؛ وگرنه طبق مواد مربوط به تداخل جنايات (مواد ۲۹۶ الي ۳۰۰) عمل خواهد شد و منظور از عبارت «تنها ديه يك آسيب ثابت مي‌شود» ديه آسيب بزرگتر و شديدتر است.

اين ماده به صراحت آورده است که در صورت وجود مجموع اين شرايط يك ديه ثابت مي‌شود؛ بنابر اين از جمع بندهاي «ب» و «پ» اين ماده مي‌توان نتيجه گرفت که اگر آسيب‌هاي متصل هر چند نزديک به هم، اما در يك عضو نباشد، شرط مندرج در ماده محقق نشده و يك ديه تعلق نمي‌گيرد، مانند آسيب وارد به سر و آسيب وارد به صورت؛ هر چند که اين دو عضو نزديک به هم هستند، اما چون يك عضو محسوب نمي‌شوند، مشمول حکم مقرر در اين ماده نيست و تنها يك ديه ثابت مي‌شود.

سؤالي که به ذهن مي‌آيد اين است که رأی وحدت رويه شماره ۶۹۱ مورخ ۱۳۸۵/۷/۱۱ هيئت عمومي ديوان عالي کشور مقرر داشته است: «دیه شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو ديه معينی است خمس آن مي‌باشد؛ بنابر اين چنانچه دو استخوان از يك عضو نيز

شکسته شود برای هر استخوان طبق ماده مذکور بایستی ديه جداگانه تعيين شود...». آيا مقررات ماده ۵۴۳ قانون مجازات اسلامي جديد ناسخ رأی وحدت رويه است که بر اساس آن چنانچه دو استخوان از يك عضو نيز شکسته شود برای هر استخوان بایستی ديه جداگانه تعيين شود؟



«هرگاه در اثر يك ضربه يا هر رفتار ديگر، آسيب‌هاي متعدد در اعضاي بدن به وجود آيد چنانچه هر يك از آنها در اعضاي مختلف باشد يا همه در يك عضو بوده ولي نوع هر آسيبي غير از نوع ديگري باشد و يا از يك نوع بوده ولكن در دو يا چند محل جداگانه از يك عضو باشد، هر آسيب ديه جداگانه دارد».



در پاسخ به اين پرسش اداره حقوقی قوه قضاييه در قالب نظريه مشورتي بيان داشته است؛ شرط اعمال ماده ۵۴۳ اين قانون، تعيين تنها يك ديه آسيب است. با توجه به صراحت ماده مذکور، اجتماع چهار شرط در اين ماده ضروري است که با عنايت به شرط مقرر در بند «پ» اين ماده، آسيب‌ها بايد متصل به هم و به گونه‌اي نزديک به هم باشد که عرفاً يك آسيب محسوب شود؛ چون شکستگی استخوان‌هاي نازکني و درشتني پا عرفاً يك آسيب تلقی نمي‌شود، لذا مشمول مقررات ماده فوق نبوده و دادگاه با توجه به قسمت اخير ماده ۵۴۱ برای هر شکستگی بايد ديه

جداگانه تعيين کند؛ بنابر اين مقررات ماده ۵۴۲ ناسخ رأی وحدت رويه ۶۹۱ ديوان عالي کشور نيست.^(۱۱)

مقنن در بند «پ» ماده ۵۴۳ درباره تداخل ديه آورده است: «آسيب‌ها متصل به هم يا به گونه‌اي نزديک به هم باشد که عرفاً يك آسيب محسوب شود». حال سؤال اين است که آسيب‌هاي وارديده در چه فاصله‌اي از هم قرار گيرند که ديه آنها تداخل کند؟

به نظر مي‌رسد در صورتي که هر دو استخوان درشتني و نازکني از استخوان دست يا پا شکسته شود، دو ديه شکستگی ثابت است؛ مگر در صورتي که شکستگی‌ها آن قدر به هم نزديک و يا متصل به هم است (مانند ناحيه اتصال اين دو استخوان) که عرفاً يکي محسوب مي‌شود و در اين صورت تداخل صورت مي‌گيرد.

سؤال ديگري که مطرح مي‌شود اين است که در صورت شليک گلوله ساچمه‌زني به شکم و سينه و دست و پا که مشمول جراحات جائفه و نافذه مي‌شود، آيا با توجه به ماده ۵۴۳ قانون مجازات اسلامي (۱۳۹۲)، بایستی برای جراحات ناشی از هر ساچمه در اعضای بدن ديه پرداخت شود؟ در پاسخ بايد گفت با مراجعه به مواد ۵۴۱ تا ۵۴۳ قانون مجازات اسلامي، حکم تداخل يا عدم تداخل ديات به شرح زير روشن است:

فرض نخست، در صورتي که جاني شليک‌هاي متعدد کرده و آسيب‌هاي متعدد ايجاد شده باشد، هر آسيب ديه جداگانه دارد که بر اساس نوع و نام آسيب ديه هر يك مشخص مي‌شود (مستفاد از ماده ۵۴۲)؛

فرض دوم، در صورتي که جاني تنها يك شليک کرده که جراحات متعددي ايجاد شده است، با تحقق سه شرط زير ديه جراحات تداخل مي‌کند:



در قانون سابق ماده‌ای که به صورت کلی به بیان حکمی عام در همه موارد پردازد وجود نداشت؛ اما برخی مواد قانون سابق به‌طور پراکنده به بیان این حکم پرداخته و در مورد دیه برخی اعضاء این قاعده را جاری ساخته بود. موادی از قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) که این حکم را مورد پذیرش قرار داده بود به شرح ذیل است:

تبصره ماده ۳۸۹: «هر گاه آسیب رساندن به گوش به حس شنوایی سرایت کند و به آن آسیب رساند یا موجب سرایت به استخوان و شکستن آن شود برای هر کدام دیه جداگانه‌ای خواهد بود».

ماده ۴۳۴: «هر گاه قطع نخاع موجب عیب عضو دیگر شود اگر آن عضو دارای دیه معین باشد بر دیه کامل قطع نخاع افزوده می‌گردد و اگر آن عضو دارای دیه معین نباشد ارزش آن بر دیه کامل قطع نخاع افزوده خواهد شد».

ماده ۴۴۶: «هر گاه در اثر جنایتی مانند ضربه مغزی و شکستن سر یا بریدن دست، عقل زایل شود برای هر کدام دیه جداگانه خواهد بود و تداخل نمی‌شود».

ماده ۴۵۲: «هر گاه با بریدن هر دو گوش شنوایی از بین برود، دو دیه کامل لازم است و هرگاه با بریدن یک گوش حس شنوایی به‌طور کلی از بین برود، یک دیه کامل و نصف دیه لازم می‌شود. اگر با جنایت دیگری حس شنوایی از بین برود، هم دیه جنایت لازم است و هم دیه شنوایی».

ماده ۴۵۸: «اگر در اثر جنایت دیگر مانند شکستن سر، بینایی از بین برود، هم دیه جنایت یا ارزش آن لازم است و هم دیه بینایی».

ماده ۴۶۵: «هر گاه در اثر بریدن بینی حس بویایی از بین برود دو دیه لازم می‌شود و اگر در اثر جنایت دیگر بویایی از بین رفت، دیه جنایت بر دیه بویایی افزوده می‌شود و اگر آن جنایت دیه معین نداشته باشد ارزش آن بر دیه بویایی اضافه خواهد شد».

اولاً، در فرض سؤال که در اثر اصابت فشنک ساچمه‌ای چند جراحت ایجاد شده است، اگر هر یک از ساچمه‌ها فرو رفته باشد و طبق تعریف مذکور در ماده ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) جراحت نافذه را به وجود آورده باشد، چنانچه برابر بند «ب» ماده ۵۴۳ قانون مزبور این جراحت‌ها متصل به هم یا به گونه‌ای نزدیک به هم باشد که عرفاً یک آسیب محسوب شود، دیه آن تداخل می‌کند و تنها یک دیه ثابت می‌شود؛ در غیر این صورت مشمول ذیل ماده ۵۴۱ قانون یادشده بوده و هر جراحت نافذه دیه جداگانه خواهد داشت که تشخیص مصداق حسب مورد بر عهده مرجع رسیدگی‌کننده است؛

ثانیاً، پاسخ مثبت است؛ زیرا مقررات مواد ۵۴۸ و ۵۶۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) فقط ناظر به ارزش جنایات مربوط به یک عضو است و شامل دیه معین برای هر جنایت هر چند در یک عضو باشد نمی‌شود؛ به ویژه اینکه در ماده ۵۳۸ قانون مزبور به اصل «تعدد دیات و عدم تداخل آنها» اشاره شده است و در قسمت اخیر ماده ۵۴۱ این قانون نیز تصریح شده که اگر در اثر یک ضربه یا هر رفتار دیگر آسیب‌های متعددی در دو یا چند محل جداگانه از یک عضو به وجود آید، هر آسیب دیه جداگانه دارد.^(۱۳)

گفتار چهارم: حکم دیه در فرض زوال یا نقص منافع متعدد ناشی از یک یا چند رفتار

ماده ۵۴۴ قانون مجازات به حکم دیه در صورتی که منافع دچار زوال یا نقص شوند اعم از اینکه از یک رفتار یا چند رفتار باشد اشاره دارد. در ماده ۵۴۴ آمده است: «هرگاه در اثر یک یا چند رفتار منافع متعدد زایل یا ناقص شود مانند اینکه در اثر ضربه به سر، بینایی، شنوایی و عقل کسی از بین برود یا کم شود، هر یک دیه جداگانه دارد».

نخست، همه جراحات ایجاد شده از یک نوع باشد؛ دوم، همه جراحات در یک عضو باشد؛ سوم، جراحات متصل به هم یا به گونه‌ای نزدیک به هم باشد که عرفاً یک جراحت محسوب شود (مستفاد از ماده ۵۴۳)؛ بنابراین اگر جراحات در اعضای مختلف باشد و یا در یک عضو اما با فاصله و در محل‌های مختلف باشد، دیه در هم تداخل نمی‌کند (مستفاد از ماده ۵۴۱)؛ به عنوان مثال، اگر چندین ساچمه به شکم مجنی‌علیه برخورد کند و یکی به سمت چپ در امتداد روده بزرگ و دیگری به وسط در امتداد روده کوچک و دیگری به سمت راست در امتداد جگر نفوذ کند، هر یک دیه جداگانه‌ای خواهد داشت و اگر شکم، سینه، دست و پا که مشمول جراحات جائفه و نافذه است نیز باشد، دیه مستقل خواهد داشت.

در این جا بیان متن استعلام به عمل آمده از اداره حقوقی قوه قضاییه و نظریه صادرشده از این مرجع مشورتی مفید به نظر می‌رسد. در این استعلام آمده است: بر اثر شلیک غیرعمدی تفنگ ساچمه‌ای، تعداد بیست و نه عدد ساچمه به داخل پا و ساق پای راست شاکی فرو رفته و پزشکی قانونی بابت آن بیست و نه فقره جراحت نافذه اعلام و دادگاه به استناد ماده ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) دویست و نود درصد دیه کامل دیه تعیین کرده است. محکوم به رأی اعتراض کرده است. با لحاظ مواد ۵۴۳، ۵۴۸ و ۵۶۲ قانون مجازات اسلامی و اینکه شاکی مرد است:

اولاً، آیا صدمات وارده یک جراحت نافذه محسوب می‌شود یا بیست و نه جراحت؟ ثانیاً، آیا می‌توان بیش از نصف دیه کامل بابت مجموع جراحات دیه تعیین کرد؟ اداره حقوقی قوه قضاییه در پاسخ اعلام داشته است:



ماده ۴۶۷: «هر گاه با بریدن زبان حس چشایی از بین برود بیش از دیه زبان نخواهد بود و اگر با جنایت دیگری حس چشایی از بین برود، دیه یا ارش آن جنایت بر ارش حس چشایی افزوده می‌گردد».

حال این ماده در مقام بیان آن است که چنانچه یک یا چند رفتار (واحد یا متعدد بودن رفتار تأثیری در حکم این ماده ندارد) موجب از بین رفتن منافع متعدد شود، هر آسیب دیه جداگانه خواهد داشت؛ مشروط بر آنکه منافع متعدد مستقل بوده و به هم مرتبط نباشند؛ مانند آنکه در اثر ضربه به سر، بینایی، شنوایی و عقل که هر یک مستقل از دیگر منافع است از بین برود؛ در این صورت هر یک دیه جداگانه خواهد داشت؛ اما اگر منفعتی تابع عضو یا منفعت دیگر باشد؛ مانند حس چشایی که تابع و قائم به زبان است و از بین بردن زبان با از بین رفتن حس چشایی ملازمه دارد؛ در این صورت دیه منفعت چشایی با دیه زبان تداخل می‌کند.

حکم این ماده برگرفته از روایات و عبارات فقهاست؛ مانند اینکه علامه حلی در قواعد آورده است: «اگر بینی کسی را قطع کنند و حس بویایی او نیز از بین برود، دو دیه به او تعلق می‌گیرد».^(۱۳) همچنین در تحریرالوسیله آمده است: «اگر کسی بر دیگری جنایتی وارد کند که بویایی‌اش از بین برود، علاوه بر دیه بویایی دیه جنایت نیز باید پرداخت شود و اگر دیه مقدر نباشد باید ارش آن پرداخت شود».^(۱۴) شهید ثانی در بیان علت این حکم می‌گوید: «علت آن است که منفعت بویایی و شنوایی خارج از گوش است و از بین بردن گوش لزوماً از بین بردن شنوایی را در پی ندارد. به همین جهت در صورتی که با از بین بردن گوش، شنوایی نیز از بین برود، دو دیه لازم می‌شود».^(۱۵)

مواد دیگری از قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) حکم مشابه ماده ۵۴۴ این قانون را در خصوص دیگر اعضاء بیان کرده است. این موارد عبارت است از مواد ۵۷۳، ۵۷۴، تبصره ماده ۵۹۰ و مواد ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۷۸، ۶۸۵ و ۶۹۴.^(۱۶)

بر اساس ماده ۵۴۴ قانون یاد شده، محل ضربه تأثیری در حکم ندارد و اینکه عقل و بینایی در اثر ورود ضربه به سر زایل شود یا بریدن دست یا غیر آن، مؤثر در مقام نیست و در هر صورت طبق اصل عدم تداخل برای هر جنایت دیه جداگانه تعیین می‌شود.

پرسشی در خصوص این موضوع قابل طرح است و آن اینکه شخصی در اثر شکستگی استخوان پا به مرکز درمانی مراجعه می‌کند و حسب بررسی‌های به عمل آمده، وی در نتیجه قصور پزشک دچار زندگی نباتی شده و حدود چند سال در کما به سر می‌برد. پزشکی قانونی به‌رغم از بین رفتن یا عدم کارایی اندام و اعضای مصدوم مانند بینایی و شنوایی، به تعیین مقداری محدود دیه بسنده کرده است؛ البته موضوع زوال عقل و عدم توانایی جنسی را در گواهی اعلام نموده است. با توجه به ماده ۵۴۴ قانون مجازات اسلامی، آیا برای هر عضو دیه جداگانه تعلق می‌گیرد؟ چنانچه مصدوم در اثنای رسیدگی فوت کند، با توجه به میزان صدمات ناشی از زندگی نباتی، آیا باید یک دیه کامل تعیین شود یا علاوه بر آن، عوارض ایجاد شده ناشی از زندگی نباتی را هم باید در نظر گرفت؟ همچنین آیا برای اندام و جوارح داخلی مانند کلیه و کبد نیز باید دیه لحاظ شود؟

در پاسخ باید گفت در خصوص منفعتی که به تشخیص پزشکی قانونی پیرو قصور پزشکی و در اثر حالت کما زایل شده است، بر اساس ماده ۵۴۴ قانون مجازات اسلامی،

دیه هر منفعت جداگانه محاسبه می‌شود. البته باید توجه داشت که عدم کارایی با زوال منافع متفاوت است. در مورد زوال منفعتی که بعداً به تدریج حادث می‌شود و عرفاً مستند به قصور پزشک نباشد، نمی‌توان حکم به دیه داد. اگر در اثر قصور پزشکی شخص به کما برود و به دنبال آن فوت کند، چنانچه صدمه وارده تنها یک صدمه باشد؛ مانند آنکه شخص صرفاً به حالت کما رفته و منفعتی زایل نشده است، مشمول بند «الف» ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی، می‌شود و تنها یک فقره دیه نفس توسط پزشک مقصر باید پرداخت شود و چنانچه صدمات متعدد باشد؛ مانند آنکه بر اثر قصور پزشکی منافع متعددی زایل شده باشد، مشمول بند «ب» ماده ۵۳۹ قانون می‌شود که مطابق آن دیه صدمات مسری در دیه نفس تداخل می‌کند و دیه صدمات غیرمسی جداگانه گرفته می‌شود.

پرسش دیگر آن است که در اثر جرح با چاقو در ناحیه چشم، جراحات شدیدی بر صلبیه، زجاجیه و زلالیه وارد شده و منجر به نابینایی چشم شده است و پزشکی قانونی علاوه بر تأیید کور شدن آن چشم که دیه مقدر دارد، برای آسیب صلبیه، زجاجیه و زلالیه و خونریزی اطلاق چشم، به میزان پنج درصد دیه کامل ارش تعیین کرده است. آیا تعیین ارش مذکور و جاهت دارد یا اینکه صدمات و خونریزی مورد اشاره با نتیجه نهایی (کور شدن چشم) تداخل می‌کند و نباید ارش جداگانه تعیین شود؟ توضیح اینکه پزشکی قانونی اظهار داشته است اساساً کور شدن چشم و آسیب اجزای متعدد چشم لازم و ملزوم یکدیگر نیستند و حتی امکان دارد با یک ضربه به سر، چشم فرد نابینا شود؛ بدون آنکه اجزای ظاهری و داخلی چشم آسیب ببینند.



گوش. در این صورت اگر آسیبی موجب شود که بویایی و بینی یا شنوایی و لاله گوش هر دو از بین برود، دو دیه جداگانه خواهد داشت.

منفعت قائم به عضو، منفعتی است که در صورت نبودن آن منفعت، عضو فاقد کارایی لازم است؛ به عبارتی دیگر، منظور از منفعت قائم به عضو، منفعتی است که در صورت نبودن آن عضو، به تبع آن منفعتی هم نخواهد بود؛ مانند بینایی که منفعت قائم به چشم است و در صورت نبود بینایی، چشم کارایی لازم را نخواهد داشت و در صورت نبود چشم، بینایی هم منتفی می‌شود.

لازم به ذکر است در صورتی که فلج کردن گوش یا بریدن گوش فلج به قوه شنوایی سرایت و باعث ناشنوا شدن مجنی‌علیه شود، دیه عین و دیه منفعت با هم تداخل نمی‌کند و جانی باید دیه گوش و دیه شنوایی را با هم پرداخت کند.^(۱۷)

عضو نبوده و میان از بین رفتن عضو و زوال منفعت ملازمه نباشد اگرچه وجود آن عضو در تقویت و تسهیل منفعت مؤثر باشد مانند لاله گوش و بینی که در تقویت شنوایی و بویایی مؤثرند و به سبب قطع لاله گوش یا بینی، شنوایی یا بویایی نیز زایل یا ناقص گردد، هر کدام دیه جداگانه دارد.

این ماده در مقام بیان دو فرض با حکم متفاوت است:

نخست، بعضی از اعضای بدن با برخی منافع ملازمه دارند؛ مانند عضو چشم و منفعت بینایی؛ در این صورت دیه عضو و منفعت تداخل می‌کنند و فقط یک دیه ثابت است؛ هر چند با از بین رفتن چشم، بینایی هم از بین رفته باشد؛

دوم، بعضی از اعضای بدن با برخی منافع ملازمه ندارند؛ به گونه‌ای که با از بین رفتن یکی، دیگری هم از بین نمی‌رود؛ مانند بویایی و بینی یا شنوایی و لاله

در اینجا می‌توان گفت بر اساس ماده ۵۴۵ قانون مجازات اسلامی چنانچه بر اثر یک ضربه و جرح با چاقو، علاوه بر صدمه به چشم، منفعت بینایی نیز از دست برود، دیه جراحت چشم در دیه منفعت بینایی تداخل می‌کند و تنها دیه کور کردن چشم محاسبه می‌شود؛ اما اگر مورد سؤال از مواردی باشد که منفعت قائم به آن عضو نباشد، هر کدام دیه جداگانه خواهد داشت.

گفتار پنجم: زوال یا اختلال منفعت قائم و غیر قائم به عضو

این گفتار به تبیین و شناخت ماده ۵۴۵ قانون مجازات اسلامی اختصاص دارد. این ماده که فاقد سابقه تقنینی است و به گونه‌ای از ابداعات قانون‌گذار است اشاره دارد: «هرگاه منفعتی قائم به عضوی باشد در جنایت بر آن عضو که منجر به زوال یا اختلال منفعت گردد تنها دیه بیشتر ثابت می‌شود ولی اگر منفعت قائم به آن

پی‌نوشت‌ها

- ۱۳- علامه حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ نخست، ۱۴۱۳ هجری قمری، صفحه ۶۸۸
- ۱۴- موسوی خمینی، سیدروح الله، تحریرالوسیله، بی‌تا، صفحه ۵۹۲
- ۱۵- جبعی عاملی، زین‌الدین بن علی، ترجمه و تبیین شرح اللعنه (قصاص و دیات)، جلد چهاردهم، برگردان: علی شیروانی، قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم، چاپ هشتم، ۱۳۸۷، صفحه ۱۱۲
- ۱۶- ماده ۵۷۳: «هرگاه صدمه بر استخوان موجب نقص عضو یا صدمه دیگری گردد، هر یک دیه جداگانه‌ای دارد»؛ ماده ۵۷۴: «هرگاه بر اثر یک یا چند ضربه، علاوه بر دررفتگی مفصل، استخوان نیز بشکند یا ترک بخورد، دو جنایت محسوب می‌شود و هر یک دیه یا ارش جداگانه دارد. اگر بر اثر ضربه‌ای، هم استخوان بشکند و هم جراحی مانند موضعه یا نافذه و یا جائفه در بدن ایجاد شود نیز این حکم جاری است»؛ تبصره ماده ۵۹۰: «هرگاه کسی چشم و پلک را یک‌جا از بین ببرد، هر یک دیه جداگانه دارد»؛ ماده ۶۰۵: «پاره کردن پرده گوش، موجب ارش است و اگر در اثر آن حس شنوایی نیز از بین برود یا نقصان پیدا کند، دیه آن نیز باید پرداخت شود»؛ ماده ۶۰۶: «هرگاه آسیب رساندن به گوش به حس شنوایی سرایت کند یا موجب سرایت به استخوان و شکستگی آن شود هر کدام دیه جداگانه‌ای دارد»؛ ماده ۶۷۸: «هرگاه در اثر صدمه‌ای مانند شکستن سر یا صورت، عقل زایل شود یا نقصان یابد، هر یک دیه یا ارش جداگانه‌ای دارد»؛ ماده ۶۸۵: «هرگاه با قطع یا از بین بردن گوش و یا هر جنایت دیگری شنوایی از بین برود یا نقصان یابد هر یک از جنایت‌ها، دیه یا ارش جداگانه دارد» و ماده ۶۹۴: «هرگاه در اثر بریدن یا از بین بردن بینی یا جنایت دیگری بویایی نیز از بین برود یا نقصان یابد هر جنایت، دیه یا ارش جداگانه دارد».
- ۱۷- گرجی، سیدابوالقاسم، دیات، ۱۳۹۱، صفحه ۱۶۲

- ۱- رأی شماره ۲۲۳ مورخ ۱۳۲۳/۱۲/۲۱ شعبه دوم دیوان عالی کشور
- ۲- زراعت، عباس، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، صفحه ۵۹۳
- ۳- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۹۹۳ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۱۴ اداره حقوقی قوه قضاییه
- ۴- در رأی وحدت رویه شماره ۶۹۱ مورخ ۱۳۸۵/۷/۱۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور آمده بود: «چنانچه دو استخوان از یک عضو نیز شکسته شود، برای هر استخوان، باید دیه جداگانه تعیین شود».
- ۵- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۷۸۵ مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۳ اداره حقوقی قوه قضاییه
- ۶- بر اساس نظریه مشورتی شماره ۷/۲۰۰۳ مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۳ اداره حقوقی قوه قضاییه
- ۷- ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): «از بین بردن تمام دندان‌های دائم بیست و هشت‌گانه دیه کامل دارد که به ترتیب زیر توزیع می‌شود: الف- دندان‌های جلو که عبارتند از: پیش، چهارتایی و نیش که از هر کدام دو عدد در بالا و دو عدد در پایین می‌روید و جمعا دوازده عدد است، هر کدام یک‌بیستم دیه کامل دارد؛ ب- دندان‌های عقب که در چهار سمت پایانی از بالا و پایین در هر کدام یک ضاحک و سه ضرس قرار دارد و جمعا شانزده عدد است، هر کدام یک‌چهلیم دیه کامل دارد».
- ۸- تبصره ۱ ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): «شکستن مقداری از قسمت نمایان دندان به همان نسبت دیه دارد».
- ۹- ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): «در میزان دیه تفاوتی میان دندان‌هایی که رنگ‌های گوناگون دارند، وجود ندارد و اگر دندان‌ی در اثر جنایت سیاه شود و نیفتد دیه آن دوسوم دیه همان دندان است و دیه دندان‌ی که قبلا سیاه شده است، یک‌سوم دیه همان دندان است».
- ۱۰- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۷۵ مورخ ۱۳۹۵/۲/۶ اداره حقوقی قوه قضاییه
- ۱۱- بر اساس نظریه مشورتی شماره ۷/۱۰۷۳ مورخ ۱۳۹۲/۶/۵ اداره حقوقی قوه قضاییه
- ۱۲- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۲۷۹ مورخ ۱۳۹۸/۹/۴ اداره کل حقوقی قوه قضاییه